

تمدن غربی در گرداب جنگ

فرو می‌رود؟!!

سرمایه‌داری» بود. تصرف بازارهای جهان بوسیله اروپای صنعتی نه تنها موجب توسعه ارتباطات شد، بلکه به دنبال مبادله کالاها افکار جدیدی نیز به همه جا منتقل گردید؟! و در نتیجه به انواع امپریالیسم جدید به انواع قبلی آن افزوده شد و با تشکیل تراست های اقتصادی طبقه حاکمه تازه‌ای در داخل دولتها بوجود آمد. مسلماً بر خورد حاکمیت‌های اقتصادی در صحنه اقتصاد بین‌المللی هرج و مرجی ایجاد میکرد که کمتر از هرج و مرج ناشی از حاکمیت سیاسی نمیتوانست باشد! (۱)

فلیسین شاله در کتاب خود «فصل هشتم» زیر

از آثار و ویژگیهای قرن نوزدهم در بحث‌های پیش‌گزیده‌ای آوردیم و اکنون در پی آنچه که گذشت باید بیافزاییم که در این قرن حقوق بین‌الملل وسعت یافت و تکامل پیدا کرد و بدیهی است که پیشرفت و ترقی آن مرهون توسعه روابط مادی و مخصوصاً اقتصادی و فرهنگی بود.

تمام قاره‌های جهان در این قرن با یکدیگر تماس پیدا کردند و در نتیجه حقوق اروپائی مبدل به حقوق جهانی شد.

تمرکز اجتماعات بین‌المللی موانع قطعی توسعه تولید و تجارت و محصول تکامل «مائشیمیسیم و

عنوان «توسعه سرمایه داری» دربارهٔ بنکی دیگر از مشخصات قرن نوزدهم مینویسد: «قرن نوزدهم که میتوان آنرا قرن توافق قوانین نامید، قرن اختلاف اصول است. این اختلاف و ناسازگاری در توزیع ثروت و املاک، ناشی از انقلاب صنعتی میباشد که در قرن ۱۸ شروع شد و در قرن ۱۹ توسعه یافت ... در این قرن بود که تمرکز به منتهی درجه توسعه خود رسید و چندین مؤسسه اقتصادی بسا بکند بگر اختلاف کردند و تشکیل کارتل (۳) دادند.

گاهی اوقات یک سرمایه‌دار بزرگ که دارای بعدی گشاده و وسیعی است، زوی غده‌ای از مؤسسات تولیدی پنجه میاندازد و آنها را در خود تحلیل میبرد و تولیدی که نوع بخصوص از محصول را بخود منحصر میسازد، این نوع مؤسسه را تراست (۴) میگویند. تراست با تمرکز رشته‌های مختلف کارهای تولید در یک کارخانه و کم کردن عده کارگر، در هزینه تولید کالا صرفه‌جویی کامل بعمل میآورد.

کارگردان را با نظم و انضباطی آهنین تحت تسلط در میآورد، و بهای کالای تولیدی را تا بمعیل خود بخرد تا بحمل میکند ... (۴)

سیس دربارهٔ وضع رقت مارک کارگران در ایسن

قرن چنین میگوید:

«در آغاز توسعه صنایع ماشینی وضع کارگران کارخانه‌ها که بیشتر آنان زنان و بچه‌ها بودند بسیار رقت انگیز بود! پس از آنکه کارگران تشکیل «اتحادیه» دادند، مزد خود را افزودند، از ساعات کار کاستند و اتحادی شریک ساخت خود را تعدیل کردند. با وجود این کارگران غیرمتحد هم که میتوان آنان را دنده‌های ماشین نامید، زندگی بی‌ثبات آمیخته با هراسی داشتند. زیرا همیشه در معرض تهدید بیکاری‌های پیوسته بوده و در اعماق فقر و بدبختی، زندگی کثیف و عدالت با داری را ادامه میدهد اند» (۵)

«پیردکاسه» یک نوع بادبلی شنی و الزوایس گردانی را از ارزشهای اصیل حیات در آغاز قرن نوزدهم نشان میدهد و میگوید این نوعی انضباط است ...

وی با بهره‌برداری از ایمان و اعتقاد به «ارزشهای مبدل و مینوسه» در پایان قرن نوزدهم این ارزشها عبارت بودند از: سعادت، بدبختی، علم، عقل پرستی، دموکراسی و سوسیالیسم ... (۶)

۲- Cartello یک کلمه ایتالیائی است و از نظر اقتصادی عبارت است از اتحادیه چند مؤسسه یا از کارگاهها یا صنعتی منظور حذف رقابت و ایجاد انحصار بزرگ یا چند رشته تولید هم آهنگ شده.

۳- Trust از نظر اقتصادی عبارت است از ترکیب و ادغام چند مؤسسه تولیدی در یکدیگر که عملاً واحدهای وابسته و عضو استقلال مالی و اداری خود را از دست میدهد ...

۴- تاریخ مالکیت (انزری چه میدانم؟) ترجمه انجری باقمی / صفحه ۷۴

۵- همان مدارک / صفحه ۷۹

۶- فلسفه‌های بزرگ / ترجمه احمد آرم / صفحه ۱۲۹

و بالاخره در بررسیهای تاریخی قرن نوزدهم می‌بینیم که چگونه علم و صنعت، سیاست و اقتصاد، فراوانی و فقر، کاپیتالیسم و امپریالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم، داد و بین و مادر کس، آزادی و اسارت، تعطل و بیماری، جنگ و صلح، نعمان و وحشیگری، همه در این مجموعه برای خود جای داشته.

در بحال باید یادآور شویم که نمایان‌ترین و بهترین خصوصیت این دوران یکصد ساله، بطوری که دیدیم رشد صنایع سرمایه‌داری بود.

صنایع کاپیتالیستی خیلی پزیر و متحول و در نهایت با سرمایه‌داری و طبیعت خود تا نعل و زنجیر بزرگتر میشد و زندگی سیری ناپذیریک داشت.

هر چه بیشتر برای ثروت و رفاه و کلمه‌های نازک و معجزات کثیف قدر بر آسمانها برافشانها، مستعمرات استعمار شده در ابرو و تنه‌های استعماری؛ همه تا بیخ دور امروز رشد سرمایه داری بود ... در این دوران تنها به درها و چیزهایی اعتماد میکردند که در افراد خلاف اخلاق شمرده میشد، بدین ترتیب یک اقتصاد بزرگ و نمایان میان اخلاق افراد و اخلاق ملتها نمایان شد. آنچه در ادعای خوب و فساد بود، پایهٔ مباحث و اختلال ملتها گشت.

خود خواهی، حرص، ابدال و فرومایگی در مودن افراد بدون تحمل ناپذیر شمرده میشد. اما در مورد گروهی از مردم در مورد ملت‌ها هیچ

تحمین و تمجید بود و در زیر دای وطن پرستی مورد تشویق قرار میگرفت.

حتی کشتن و نابود کردن دیگران وقتی به مقدار زیاد میبود و گروهی از ملت‌ها بر ضد بکدیگر به چنین کاری میپرداختند، شایستهٔ تحسین میگشت ... بقول یکی از نویسندگان:

«نمندان شعار و هد فی شده است که عبوب و مفاسد افسران را به اجتماعات وسیع و بزرگتر مستقل می‌سازد» (۷)

در حال رشد صنایع سرمایه داری بطور طبیعی نگرش مواد خام و بازارهای فروش بود و بدینجهت قدرتهای کاپیتالیستی را به مسابقه‌ای برای تسخیر جهان و تشکیل امپراتوریهای پنهان و آشکارا رساند. پس از آنکه تمامی جهان میان دولت‌های استعماری تقسیم گشت دیگر جایی برای آنها نماند. در نتیجه چشم به مستملکات یکدیگر دوخته و به جان هم افتادند ...

و بدینسان مقدمات یک جنگ مهیب و خاتمان بر سر اندازد و راهم نمودند و با فرازیدن جنگ، دوران قرن نوزدهم که هم چون یک عهد خاص بود به پایان رسید و موج و با عظمت تمدن غربی که باشکوه فراوان جریان داشت ناگهان در گرداب جنگ فرو رفت!

۷- نگاهی به تاریخ جهان / ج ۱ / صفحه ۱۱۷۷